



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۱۳-۸۹

تحلیل نظام گفتمانی تنش در نامه‌های امام علی (ع) به معاویه در نهج البلاغه^۱

مهناز امیری^۲، مهدی مطیع^۳، محمدرضا حاجی اسماعیلی^۴

حمیدرضا شعیری^۵، روح الله نصیری^۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

چکیده

این مقاله به بررسی نظام گفتمانی تنش در نامه‌های امام علی (ع) به معاویه می‌پردازد. موضع‌گیری گفتمانی به دلیل پویایی، نوعی جهت‌گیری گفتمانی بسط روابط و تعامل بین نیروهای همسو یا ناهمسو را آشکار می‌نماید. گفته‌پردازی، جریانی سیال است که تعامل دو گونه شناختی و عاطفی در آن سبب تولید معنا در گفتمان می‌شود که سیالیت معنا و سیر تکاملی آن مدیون فرآیند تنشی گفتمان است. این شکل‌گیری تابع نوعی حضور نشانه‌معناشناختی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی نامه‌های امام علی (ع) به معاویه با تکیه بر ساختار تنشی و عبور از شرایط گسست و پیوست گفتمانی است. برای پاسخ‌گویی به اتهامات و افشاگری‌های معاویه و تأثیرگذاری آن بر درک و فهم مخاطب است. در

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2022.40970.2207

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.48.5.2

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم و قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ amahnaz74@gmail.com

^۳ دانشیار گروه علوم و قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)؛

m.motia@Ltr.ui.ac.ir

^۴ استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛

m.hajiesmaeili@Ltr.ui.ac.ir

^۵ استاد گروه زبان فرانسه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ Shairi@modares.ac.ir

^۶ دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده زبان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ r.nasiri@fgn.ui.ac.ir

نظام تنشی لایه‌های فشاره‌ای و گستره‌ای در ارتباط و تعامل با هم نقش آفرینی می‌کنند و هم پیوندی سطحی از فشاره و گستره شاکله گفتمان را شکل می‌دهد. امیرالمومنین به منزله گفته‌پرداز در جریان معناسازی پویا و سیال به کنشگری فعال تبدیل می‌شود و حقیقت «بیعت» و «مشروعیت» خود را در نظام گفتمانی تنشی معناسازی و ارزش‌سازی می‌کند. بنابراین، امام از ساختار تنشی و زبانی خاصی جهت انتقال معنا برای شکستن نظام معنایی سلطه‌ی معاویه بهره برده‌است و معاویه را از طریق افشای اعمال، رفتارها و گفتارهای نادرست بدون صلاحیت نشان می‌دهد. بهره‌گیری از این نشانه‌ها سبب افزایش عاطفه در کلام و دست‌یابی زبان به ناممکن‌ترین زمان‌ها و مکان‌ها و در نتیجه اثرگذاری بیشتر بر خواننده می‌شود. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی کاربردی انجام گرفته‌است و بر اساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت نظام گفتمانی نامه‌های «۶»، «۹» و «۱۰» امام علی به معاویه از ساختار تنشی افزایشی، نزولی و صعودی پیروی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: نشانه-معناشناسی، گفتمان، نامه‌های امام علی (ع)، معاویه، الگوی

تنشی

۱. مقدمه

الگوی تحلیل نشانه-معناشناختی^۱ گفتمان^۲، یکی از روش‌های مناسب تجزیه و تحلیل متون مذهبی است. این الگو در تحلیل و بررسی نهج البلاغه به‌ویژه نامه‌های آن یافته‌های چشمگیری را آشکار می‌نماید و می‌تواند زمینه خوانشی تازه از آن‌ها شود. بخش چشمگیری از نهج البلاغه را نامه‌های حضرت علی به معاویه را تشکیل می‌دهد. این نامه‌ها در بازه‌های زمانی سال‌های ۳۶ تا ۳۸ هجری قمری در زمان جنگ‌های نهروان، جمل و صفین و برخی به اوایل حکومت امیرالمومنین نگاشته شده‌است. از هنگام بیعت عمومی با حضرت امیرالمومنین تا پایان جنگ صفین، نامه‌های گوناگون میان امام و معاویه رد و بدل شده‌است که سید رضی در نهج البلاغه ۱۶ نامه امام به معاویه را نقل کرده‌است. آن حضرت در حقیقت این نامه‌ها را در نهج البلاغه خطاب به معاویه نگاشته‌اند که گفتمان این نامه‌ها پاسخ به اتهامات و افشاگری‌های معاویه در مورد ویژگی‌های رفتاری و سیاسی معاویه است. از مهم‌ترین اتهام‌هایی که در بیشتر نامه‌های می‌توان آن را دید، قتل عثمان است که معاویه به امام نسبت داده‌است و در بخشی از نامه‌ها نیز امام را به تهدیدات نظامی تهدید نموده‌است. مهم‌ترین درخواست معاویه از امام به رسمیت شمردن او برای حکومت شام بوده‌است. آن حضرت نیز در فضای گفتمانی با استفاده از استدلال‌های دقیق و منطقی مبتنی بر عوامل حسی-

¹ semiotique

² discours

ادراکی بیهوده بودن این ادعاها و مشروعیت رهبری و امامت خود را به اثبات می‌رساند و بر حقانیت خود و بی‌کفایتی معاویه برای حکومت تأکید می‌نماید. در نامه‌ها، پیوست نوسانی معنایی میان دوسطح کمی و کیفی وجود دارد. در نتیجه لایه‌های معنایی که رابطه آن‌ها از نوع تنشی و حسی ادراکی است شکل می‌گیرد. بنابراین نگارندگان با روش تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان، در نظر دارند به این پرسش‌ها پاسخ دهند: نخست اینکه، فرآیندهای گفتمانی در نامه‌های امام علی(ع) به معاویه مطابق با کدام الگوی تنشی است؟ دوم آنکه، چگونه ساختار تنشی در نامه‌های امام علی به معاویه با عبور از شرایط گسست و پیوست بار معنایی را تضمین و افشاگری‌ها و اتهامات معاویه را پاسخ می‌دهد؟

فرض در پژوهش حاضر این است که این نامه‌ها با توجه به ویژگی‌های ساختاری و ابعاد فرآیندی که از سبک معنای تنشی پیروی می‌کند، می‌تواند نظام سلطه معاویه، استدلال‌ات، اتهامات او را پاسخگو باشد. این مقاله، در پی ارائه الگوی تنشی برای نامه‌ها است تا به بررسی نظام تنشی و وجه عاطفی گفتمان و چگونگی تأثیرگذاری این نظام بر مخاطب‌های نهج البلاغه در کنار وجه شناختی آن پردازد و چگونگی تعامل وجه شناختی و انگیزشی آن را بر اساس این الگو در نامه‌ها نشان دهد. به همین منظور، از روش پژوهشی تحلیلی-کاربردی برای بررسی متن گفتمان نامه‌ها بهره گرفته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره نشانه‌معناشناسی، پژوهش‌های گوناگونی وجود دارد که امکان معرفی همه آن‌ها در این مقاله امکان‌پذیر نیست. با این وجود، در ادامه نخست، برخی از نوشتارهایی که ارتباط بیشتری با مقاله حاضر دارند، معرفی و سپس تمایز آن با پژوهش حاضر شرح داده می‌شود.

شعیری (2013, Shairi)، در کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان»، به بررسی گفتمان و مؤلفه‌های آن می‌پردازد. همچنین وی در کتاب «نشانه‌معناشناسی ادبیات»، نظام‌های گفتمانی را شرح داده است. شعیری (2009, Shairi)، در مقاله «از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه-معناشناسی گفتمانی» و همچنین در مقاله «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه-معناشناختی» (Shairi, 2017)، به مبحث‌های گفتمان و نشانه‌شناسی در ادبیات پرداخته است. شعیری (2016, Shairi)، در مقاله‌ای با نام «مقاومت، ممارست و مماشات گفتمانی: قلمروهای گفتمانی و کارکردهای نشانه‌معناشناختی آن»، نیز مفاهیم نظری نشانه-معناشناسی را معرفی کرده است. پاکتچی و همکاران (2015, Pakatchi et al.) در مقاله «تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره قارعه، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی»، بر اساس الگوی تنشی سوره قارعه را بررسی

کرده‌است. گرمس و و فونتتی (Greimas & Fontanille, 1992) در کتابی با نام نشانه‌شناسی احساسات که در پاریس منتشر شده - به نقش احساسات^۱ در تولید معنا پرداخته‌اند. نویسندگان در این کتاب شش - - - - - رح می‌دهند که ذهن انسان در حالت خرسندی و یا ناخرسندی چگونه ارزیابی‌های متفاوتی از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خواهد داشت. همچنین، مرتضی بابک‌معین (Babak Moin, 2017) در کتاب ابعاد گمشده معنا در نشانه‌شناسی روایی کلاسیک، نظام معنایی تطبیق یا رقص در تعامل به تبیین و توضیح ابعاد مغفول‌مانده معنا بر اساس نشانه‌شناسی جدید می‌پردازد. نویسنده در این کتاب کارایی نظام معنایی تطبیق را در گفتمان شرح می‌دهد.

نصیری و همکاران (Nasiri et al., 2018) در مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمان در سوره نبأ»، به تحلیل نشانه‌شناختی سوره نبأ بر اساس الگوی تنش پرداخته‌است. خزعلی و هاشمیان (Khazali & Hashemiyan, 2016)، در مقاله‌ای با نام «انسجام واژگانی در نامه‌های افشاگرانه امام علی (ع) به معاویه»، به بررسی عناصر انسجام واژگانی در نامه‌های افشاگرانه آن حضرت به معاویه پرداخته‌است. سجادی و کوچکی (Sajady & Kochaki Niyat, 2019) در مقاله‌ای با نام «بررسی و تحلیل نامه‌های امام علی و معاویه با تکیه بر نظریه ساختارگرایی»، به بررسی ویژگی‌های نامه‌ها بر اساس ساختارگرایی پرداخته‌است. تمایز مقاله حاضر با نوشتارهای پیشین روشن است؛ چراکه در این مقاله نامه‌های امام علی (ع) به معاویه بر اساس نشانه‌شناسی گفتمانی و با رویکرد تحلیل گفتمان تنشی و کنشی مورد بررسی قرار گرفته‌است. اگرچه بررسی‌های ساختارگرایانه متفاوتی از نامه‌های امام انجام شده ولی این بررسی‌ها به کارکرد معنایی و نظام گفتمانی حاکم بر آن پرداخته‌است. مقاله حاضر نه تنها ساختار تنشی نامه‌ها بسنده نکرده‌است بلکه تولید معنا را در ساختار گفتمانی کنشی تجویزی و حسی-ادراکی بررسی می‌کند.

۳. چارچوب نظری

۳.۱. ساختار تنشی گفتمان

نشانه‌شناسی تنشی^۲ که یکی از مؤلفه‌های نشانه‌شناسی پساگرماسی^۳ است، به وسیله ژاک فونتانی^۴ و کلودزیلبرگ^۵ در اثر مشترکی با موضوع «تنش و دلالت»^۶ معرفی شده‌است. این فرآیند سبب ترکیب دو بعد دلالت یعنی محسوس و معقول (فضای تدریجی ظرفیت‌ها (پیوستگی) و فضای

^۱ Semiotique des passions

^۲ tensive-modle

^۳ post-Greimas

^۴ Jacques Fontanille

^۵ Claude Zilberberg

^۶ fontanille & C zilberg(1998)^۶ Tension et Signification

قطبی نشانه‌ها (ناپیوستگی‌ها) می‌شود. الگوی تنشی باز نمود و معرف فضای «پیوند» و «کشش» میان دو بعد و ظرفیت بنیادین دلالت یعنی ابعاد فشاره‌ای (عاطفی، درونی) و گستره‌ای (شناختی، بیرونی) است. گستره و فشاره به‌مثابه بعد و ظرفیت معنا سازی اموری محسوس هستند ولی در محل پیوند و تلاقی آن‌ها نشانه- معنا و ارزش دلالتی به‌مثابه یک امر معقول و شناختی شکل می‌گیرد (Mostafavi et al., 2013, p. 30). فرآیند تنشی دو بعد دارد: فشاره^۱ و گستره^۲ که فشاره بعد عاطفی است و احساسات عاطفی را ارزیابی می‌کند و گستره بعد شناختی است که به بعد بیرونی دلالت دارد؛ در تعامل این دو بعد تنش در فشرده‌ترین فرآیند تحقق می‌پذیرد؛ فشاره عاطفی را به پایین‌ترین سطح می‌رساند و گسترده‌گی بالا را موجب می‌شود (Kanani, 2017, p. 30).

۳.۲. الگوی تنش: باز نمود ساختار تدریجی دلالت

هر حضور محسوس محل پیوند بعد مشخصی از انرژی درونی یا کیفیت و انرژی بیرونی یا کمیت است. فشاره یا همان بعد کیفی و گستره یا استقرار در موقعیت‌های مکان- زمان، ابعاد کمی ادراک را می‌سازند. به بیان دیگر، کیفیت‌های محسوس از دو جهت گستره‌ای و فشاره‌ای قابل فهم هستند (Mostafavi, 2013, p.30). هر «نشانه^۳» ترکیبی از ظرفیت‌ها یا ابعاد گستره‌ای- فشاره‌ای (بسطی- قبضی) است که هر کدام از این ابعاد، به‌مثابه معناهای بالقوه‌اند که در مرحله پیش از فعلیت یافتگی دلالت در نظر گرفته شده‌اند (Pakatchi, 2015, p. 30-44)

بر مبنای نظریه (Fontanil, 1998, p. 67) طرحواره تنشی گفتمان که از اصل محور $x y$ پیروی می‌کند، به‌صورت دستگاه دکارتی قابل ترسیم است که محور (y) همان محور عمودی و فشاره عاطفی و محور (x) همان محور افقی و گستره شناختی است. فضای درونی و معنایی که این دو بردار ساخته‌اند، محل نقاط هم‌پیوندی فشاره- گستره، درون- برون، بیان- محتوا، است، فضای تنشی که در آن‌جا نشانه- معنایی شکل می‌گیرد (Nasiri, 2018, et al., p. 37). تعامل بین دو محور عمودی و افقی، چهار حالت تنشی را به وجود می‌آورد.

هنگامی که هر یک از بردارها در نمودارهای مورد نظر از صفر آغاز و تا سطحی بیشینه امتداد می‌یابند، فشاره و گستره نیز در طیفی از کمینه تا بیشینه تعریف می‌شوند. «فشاره در سوئه بیشینه‌اش شورمند^۴ (قوی) و در سوئه کمینه‌اش خموده^۵ (ضعیف) است و گستره در سوئه بیشینه‌اش

¹ intensite

² extensite

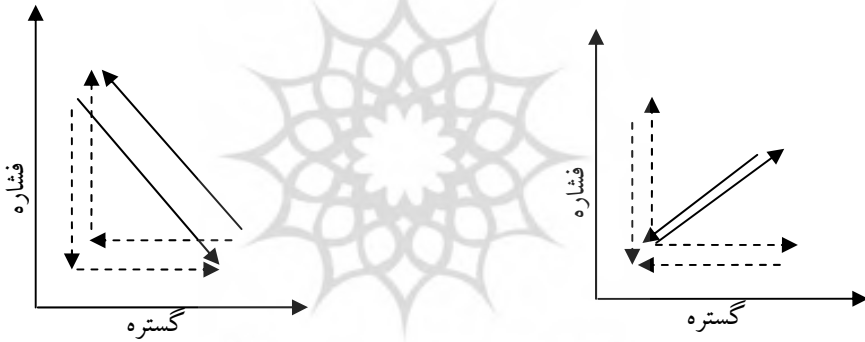
³ signifying

⁴ tonic (tonique)

⁵ atony (atone)

منتشر^۱ (پر شمار، کثیر) و در سویه کمینه‌اش متمرکز^۲ (کم شمار، قلیل) است. بنابراین در الگوی تنشی، فشاره بر تنش میان (تیدگی، کشش) و قوی \leftrightarrow ضعیف (شورمند \leftrightarrow خموده) و گستره بر تنش میان کثیر \leftrightarrow قلیل (منتشر \leftrightarrow متمرکز) استوار است (Pakatchi, 2015, p. 44-45). فرآیند تنشی، جریان‌های کمی و کیفی همسو و ناهمسو را می‌آفریند که سیالیت معنا را در بر دارد و سبب تولید ارزش‌های متعالی می‌شود (fontanile, 1999, p. 671).

بر مبنای جهت تغییر گستره و فشاره، دو گونه ترکیب از یک‌دیگر متمایز و نام‌گذاری می‌شوند: اگر روند گستره و فشاره هم‌جهت باشد، یعنی هر دو در جهت کاهش یا هر دو در جهت افزایش باشند، هم‌پیوندی (همسو)^۳ یا مستقیم شکل می‌گیرد، و اگر روند دو بعد در دو جهت مخالف باشد، یعنی گستره کاهشی و فشاره افزایشی باشد، هم‌پیوندی (ناهمسو)^۴ و معکوس شکل می‌گیرد. به این ترتیب، در فضای تنشی، چهار گونه هم‌پیوندی فشاره گستره قابل‌تصور است (Fontanille, 2006, p. 39-40).



شکل ۱: فرآیند هم‌پیوندی مستقیم (همسو)
شکل ۲: فرآیند هم‌پیوندی معکوس

۳.۳. دو گونه هم‌پیوندی، چهار الگوی تنشی

الگوی تنشی افزایشی^۵: در این طرحواره فشار بر محور کیفی یا عاطفی افزایشی است و همچنین گستره محور کمی یا شناختی نیز رو به رشد است. ۲. الگوی تنشی کاهشی^۶: در این الگو هم فشاره و هم گستره روند کاهشی دارند. ۳. الگوی تنشی صعودی^۷: در این الگو فشاره عاطفی روند

¹ diffused (diffuse)

² concentrated (concentre)

³ direct correlation

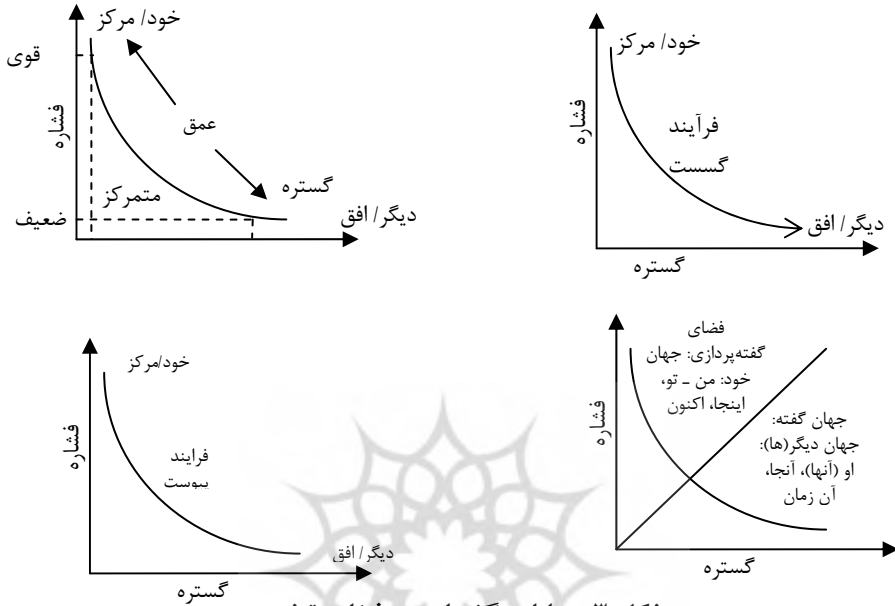
⁴ inverse correlation

⁵ amplification

⁶ attenuation

⁷ ascendance

افزایشی ولی فضای گستره‌ای روند کاهشی دارد. ۴. الگوی تنشی نزولی: در این طرحواره فضای شناختی یا گستره‌ای روند افزایشی و فشاره عاطفی روند کاهشی دارد. طرح‌های زیر عملیات گفتمان در فضای تنشی را باز می‌نمایند:



شکل ۳: عملیات گفتمان در فضای تنشی

۴. میدان عملیات گفتمان

۴. ۱. موضع‌گیری

«موضع‌گیری» نخستین کنش در عملیات گفتمان است که به لحظه پیش از تولید گفتمان بر می‌گردد. سوژه‌ای که در مرکز ارجاع گفتمان قرار گرفته، بر دو بعد اساسی حس آگاهی، یعنی گستره و فشاره، مبتنی است. فشاره یا نیروی موضع‌گیری گفتمانی به التفات و گستره آن به دریافت و فهم باز می‌گردد. التفات در چهره فشاره‌ای عمل می‌کند، بنابراین سوژه به سمت آن چیزهایی روی می‌کند که در درونش یک فشاره و نیروی حس آگاه بر می‌انگیزند. دریافت نیز در وجه گستره‌ای عمل می‌کند و در نتیجه سوژه فاصله‌ها، مواضع، کمیت‌ها را در بر می‌گیرد (Pakatchi, 2015, p. 51). بنابراین، چهره فشاره‌ای گفتمان نشانه موضع التفات و چهره گستره‌ای آن معرف موضع‌گیری دریافتی در عملیات گفتمان است. موضع‌گیری التفاتی، گفتمان احساسی-عاطفی و موضع‌گیری دریافتی، گفتمان شناختی را شکل می‌دهد.

به محض تحقق موضع‌گیری^۱ اولیه، موضع‌های جدیدی نمایان می‌شوند که قابل شناسایی

^۱ taking of position

هستند و با موضع اولیه وارد ارتباط می‌شوند. انفصال گفتمانی (او، غیر این‌جا، غیر اکنون) سبب عبور از وضعیت اولیه به وضعیت‌های جدید می‌شود. این در حالی است که اتصال گفتمانی، (من- اینجا- اکنون) همواره در جست‌وجوی وضعیت اولیه است. شاخصه‌های انفصالی دگر سویند، که در این حالت سخن گام‌هایی فراتر از «حال زیستی» برداشته و خود را از حضور بسیار بسته واقعیت فضا جدا می‌کند. در این حالت، از فشاره سخن کاسته می‌شود و سخن از حصار خود رها می‌شود ولی بر گستره‌های آن افزوده می‌شود. به همین سبب، کنشگرانی جدید با زمان‌ها و مکان‌های متفاوت وارد واقعیت می‌شوند (Shairi, 2005, p. 191)

۴.۲. گسست^۱ پیوست^۲

از دیدگاه تنشی، در فرآیند گسست، گفتمان خودش را از فضای گفته‌پردازی، از مرکز تراکم فشاره‌ها و انرژی‌ها و از جهانی که یک سر حضور بیان شده است جدا می‌کند، در نتیجه گستره افزایش و فشاره کاهش پیدا می‌کند، فضاها را جدید کشف می‌شوند و کنشگران دیگری به صحنه می‌آیند. به این ترتیب، گسست با گسترش و تکثیر تعریف می‌شود. عملیات گفتمان در فرآیند پیوست در جهت بازگشت به موضع اصلی اش پیش می‌رود. پیوست به فشاره اولویت می‌دهد و گستره را رها می‌کند، و به نزدیک‌ترین مرکز ارجاع باز می‌گردد و عملیات گفتمان را از نو متمرکز می‌کند (Fontanille, 2006, p. 58). «به این ترتیب فضای گفته‌پردازی^۳ به‌عنوان مرکز ارجاع عملیات گفتمان، محل بیشترین فشاره و محدودترین گستره است. بدون عمل گسست، مرکز فقط می‌تواند خودش را به‌عنوان یک فشاره عاطفی و خود ادراکی محض و بدون هیچ گستره‌ای احساس کند، اما افق‌های میدان که مرزها و حدود جهان گفته را مشخص می‌کنند، محل کمترین فشاره و بیشترین گستره هستند» (Pakatchi, 2015, p. 54).

۴.۳. ضرب آهنگ

یکی از مؤلفه‌های گفتمان عاطفی آهنگ است که تعیین‌کننده نوع حضور گونه‌های حسی- ادراکی است. در واقع، آهنگ گفتار که خود تجلی بخش فضای عاطفی حاکم بر گفتمان است، می‌تواند دارای نموده‌های متفاوتی باشد. استمرار، تکرار، تجدید، تراکم، درازا، تداوم، کوتاهی یا بلندی، همه و همه عناصری هستند که همراه آهنگ گفتار هستند. در جریان حسی ادراکی و

¹ disengagement

² engagement

³ enunciation

فضای تنشی میزان تأثیر بر مخاطب را ضرب آهنگ ارزیابی می‌کند. آهنگ در گفتار، نقش نشانه‌های نگارشی را در نوشتار بازی می‌کند، با این تفاوت که میزان تأثیر گذاری‌های آن‌ها برابر نیست (Zarkoob, et al, 2013, p.82) به باور فونتنی (Fontanille, 1998)، افعال مؤثر برای تولید فضای عاطفی باید در تعامل با یک‌دیگر قرار گیرند و میزان‌پذیر باشند (Fontanille, 1998). همچنین برای تولید فضای عاطفی باید با یک‌دیگر مرتبط شوند و ارتباط قطب مثبت و منفی هر یک از آن‌ها با هم سبب بروز اثرات عاطفی می‌شود (Abbasi & Yarmand, 2011, et al, p.155). با توجه به زنجیره‌های مختلف و آهنگ گفتاری که در این نامه‌ها وجود دارد، برای گفتمان نامه‌ها می‌توان طرحواره‌های مختلف تنشی در نظر گرفت. روشن است که آنچه در گفتمان نامه‌ها رخ می‌دهد فرآیند و جریانات تعاملی است که شرکای گفتمانی با ارایه سبک خاصی از حضور در تعامل دو بعد عاطفی و شناختی شکل می‌دهند. ولی گفتمان نامه‌ها در بخش‌های مختلف، صحنه تعامل با معاویه است. آهنگین کردن سخن در گفته جایگاه بنیادی در برقراری ارتباط با مخاطب دارد این توازن به نامه‌های امیرالمومنین ایدئولوژی معنایی داده است. آهنگین بودن نامه‌ها در سطح واژگانی جمله‌ها و دیگر موارد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی است که نقش اساسی در عمق کلام دارد. امام در گفتمان نامه‌ها با کاربرد جمله‌های آهنگین و هم‌پایه توانسته است که به سبک خویش، پویایی خاصی به نامه‌ها داده و تأثیر اساسی در متأثر نمودن مخاطب دارد. همان‌گونه که فتوحی (Fotouhi, 2010) بیان کرده است جمله‌های مستقل هم‌پایه هستند و با او عطف به هم معطوف می‌شوند که این عامل شتاب سخن را زیاد می‌کند و سبک را پویا می‌کند (Fotouhi, 2010, p.277). بنابراین، امام توانسته است با کمک آهنگین کردن جمله‌ها و هم‌وزنی آن‌ها، توازن ساختاری و محتوایی ایجاد نموده و زیبایی ادبی را در کلام خود دوچندان کند.

۵. فرایند گفتمانی و الگوی تنشی نامه‌های ۱۰-۹-۶

۵. ۱. الگوی تنشی نامه ۶

۵. ۱. ۱. گفتمان بیعت

امام با آگاهی و اراده و مشروعیت انتساب خود به رهبری وارد کنش در عملیات گفتمانی می‌شود. ولی مقاومت معاویه در رویارویی با دستور و برنامه امام مانع تحقق کنش است. امیرالمومنین در فضای تنشی حاکم بر گفتمان، در نخستین موضع‌گیری، خود را در مقام امامت و بیعت از پیش دانسته و خود را حاکم بر جامعه معرفی می‌کند. نامه ششم، برش گفتمانی صحنه دعوت معاویه برای پذیرش بیعت را ترسیم می‌کند. در این نامه دستور بیعت گرفتن برای بار دوم به معاویه داده

شده و گفتمان دستوری شکل می‌گیرد. «إِنَّهُ بَايَعَنِي الْقَوْمُ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ ...بَايَعُوهُمْ...» تکرار مضمون «بایعوا» به جهت گیری‌های حسی-ادراکی در برابر حق و شکل‌گیری معنا در فضای تنشی اشاره دارد و یک تأکید لفظی است تا معانی بر ذهن‌ها رسوخ کند. این تکرار شک و تردید را از بین می‌برد و سبب تقویت ایمان می‌شود. تکرار تأثیر و اقناع را به همراه دارد (Seyedi, 2015, et al., p. 66). با بررسی این فراز از نامه معلوم می‌شود که آن حضرت با تکرار لفظ «بایع» علل مشروعیت حاکمیت خویش را با روشی مناظره‌ای بر اساس باورهای دشمن به اثبات رسانده‌است. زیرا معاویه به ولایت و امامت علی (ع) و منصب الهی و ابلاغ رسول خدا باور ندارد و فقط در شعارهای خود، بیعت مردم و شورای مسلمین را مطرح می‌کند. علی به عنوان کنشگر گفتمانی در رویارویی با معاویه (معاویه) ضد کنشگر^۱، کنش یارانی چون مهاجرین و انصار را می‌طلبد و بیعت با آنان را به معاویه گوشزد می‌کند. «إِنَّمَا السُّورِيُّ لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ رَجُلٌ...» علی (ع) مهاجرین و انصار را در کنار خود بیان می‌کند تا جمع این حضورها به قدرتی عظیم برای کنش و بیعت تبدیل شود. در این برش گفتمانی کنش‌گذار برای تحقق ارزش‌ها به شکل دستوری و تجویزی کنش لازم را انجام می‌دهد. آن‌چه امام در گفتمان این نامه بیان کرده‌است کاملاً آشکار است فضای تنشی-احساسی به فضای کنشی تبدیل می‌شود. علی (ع) آن کسی است که پیرامونش را متأثر ساخته‌است و همه با او بیعت کرده‌اند و برای تفهیم معاویه وارد فضای گفتمانی تنشی شده که منجر به کنش شده‌است. کلام امام و معاویه بسط صوتی و فشاره‌ای دارد. معاویه خود را در جایگاهی می‌بیند که از دستور امام سرباز می‌زند. در این گفتمان ابتدا حضور گفته‌پرداز و گفته‌یاب برای برجسته‌تر شدن حضور دیگران (او-آن‌ها) پوشیده‌تر مانده‌است. سپس تکرار ابره‌ها و افق‌های شناختی و گسترش فضای جهان گفته نمایان است. امام علی (ع) فرمود: «اما بعد، فان بیعتی بالمدينة لزمتمک و انت بالشام، لانه بایعنی القوم الذین بایعوا...» آن‌چه در این نامه مشهود است فضای (من-تو-اینجا) گفته‌پردازی و به رخ کشیدن حضور مؤثر گفته‌پرداز و گفت‌وگوی آن با گفته‌یاب است. آن حضرت در کنشی تعاملی که یک نوع کنش تجویزی است تحت نظام گفتمانی تنشی، معاویه را مورد خطاب قرار داده‌است. وجود ضمایی همچون (ی متکلم و ک و انت) و واژه‌های امری چون (لزمتمک، فادخل، واعلم، فبایع) فضای گفته‌پردازی (من-تو) و بالابودن فشاره عاطفی را تصویرسازی می‌کند. در ادامه، فرآیند گفتمان از فضای گفته‌پردازی (من-تو، این‌جا، اکنون) به سمت فضای جهان گفته‌ای (او، آن‌جا، آن‌ها) می‌رود. با پیوند واژه‌هایی چون (بیعتی) با ابره‌های دیگری چون

¹ opponent

«الذین ابابکر، عثمان، عمر، مهاجرین، انصار، طلحه، زبیر...» (او-آن‌ها) گستره شناختی بالا می‌رود. در این نامه همزمان با افزایش فشاره بر محور عاطفی و رشد فضای گستره‌ای بر روی محور شناختی یا کمی روبه‌رو هستیم. سپس بر روی هر دو محور، حرکتی رو به رشد وجود دارد و هر چه بر میزان قدرت فشاره‌ها افزوده شود به همان میزان بر قدرت گستره‌ها نیز افزوده می‌شود. کاملاً برای گفته‌یاب واضح و آشکار است که تداوم پیوست در فضای گفته‌پردازی با گسست گفتمانی دنبال خواهد شد. رابطه کنشی، از نوع تجویزی است و رابطه تنشی در این گفتمان یک رابطه همسوست و دارای رابطه افزایشی است. ارزش حاصل از این فرآیند گفتمانی مورد خطاب قرار دادن معاویه و دعوت او به پذیرش امامت و بیعت با ایشان است. در فرآیند گفتمانی این نامه گفته‌پرداز (امام علی) به عنوان صاحب سخن وارد فضای گفته‌ای شده و با ایجاد فشاره عاطفی از یک سو و تفصیل گستره شناختی از سوی دیگر «بیعت» و «امامت» را بیان کرده است. فضای موسیقایی واژه‌ها، این نامه نیز بر هیجان‌های آن افزوده است. همزمان در این نامه، افزون بر فضای تعاملی (من-تو-ضمیر مخاطب) که موجب افزایش فشاره عاطفی می‌شود، از طرفی دیگر گستره‌های شناختی مورد تفصیل قرار می‌گیرد. و الگوی تنشی افزایشی را نشان می‌دهد. یکی از روش‌های تأکیدکننده جمله قسم است. با این اسلوب گوینده موضوعی را که به آن باور دارد را با قاطعیت تمام مورد تأکید قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت کلام و مقتضای مخاطب از این روش در جاهای مختلف با اهداف ادبی خاص بهره گرفته می‌شود. امیرالمومنین در کلام خویش بارها از قسم جهت القای کلامش بهره برده است. مانند نمونه «ولعمری لئن نظرت بعقلک دون هواک...» این جمله‌ها بارها با ابزارهای مختلف تأکید شده است و حرف «ن» بر شدت تأکید آن می‌افزاید. زیرا از ویژگی‌های حرف نون غنه است که سبب افزایش تأثیرگذاری آن می‌شود و از آن‌جا که مدت زمان لازم برای تلفظ بیشتر از دیگر حروف است که تکرار آن در آگاهی‌بخشیدن به مخاطب و دعوت او به تامل و تدبر سهم بسزایی دارد (Faisal, n.d, p. 6) همچنین به کاربرد حرف «ن» که در چندین مورد هم مشدد است، در مقام تهدید تأثیر کلام را دوچندان می‌سازد. همچنین، آهنگی که این حرف ایجاد می‌کند در نشان دادن شدت خشم و غضب موثر است. رابطه تنشی حاکم بر این گفتمان یک رابطه ناهمسو است. بنابراین الگوی تنشی این نامه الگوی افزایشی است و ارزش به‌دست آمده در این نامه دعوت معاویه به بیعت با امیرالمومنین است.

۵.۲. الگوی تنشی نامه ۹

در این نامه حضور حس آگاه گفته‌پرداز (خود-امام) پنهان و حضور (او-آن‌ها) آشکار است. در گفتمان این نامه تکرر ابره‌ها و افق‌های شناختی و گسترش فضای جهان گفته‌ای برای آشکار ساختن

سوابق گفته‌پرداز نمایان است. این نامه تصویر عمومی از خاطرات گذشته امام و پیامبر را در چشم‌انداز گستره‌ای بیان می‌کند. در این نامه، حضور حس آگاه گفته‌پرداز (خود-امام) پنهان و حضور ابژه‌های دیگر (او-آن‌ها) نمایان است. در گفتمان این نامه، تصویر عمومی از سابقه‌ها و خاطرات تاریخی امام از چشم‌انداز گستره‌ای در گسست زمانی «يَوْمَ بَدْرٍ - أُحُدٍ - مُؤْتَةَ» و گستره‌های مکانی «جَبَلٍ وَعَرٍ - نَارِ الْحَرْبِ - لَى الدَّبِّ عَنْ حَوْزَتِهِ» بیان می‌شود. و انتظار تداوم گسست گفته‌ای و تفصیل بیشتر سابقه‌های تاریخی امام برای گفته‌یاب نمایان می‌شود. در این نامه، با وجود پدیده‌های منتشره «قَوْمًا - نَبِيًّا - أَصْلَانَا - الْعَذْبَ - الْخَوْفَ» از فشاره‌های موجود در نامه کاسته شده‌است و بر گستره شناختی گفتمان افزوده شده‌است. تکرار زنجیره‌وار واژه‌های کشیده سرعت خواندن کلام ایشان را پایین آورده و سبب شده آهنگ سخن تند بیان نشود. و این آهنگ نشان‌دهنده اهمیت موضوع است و به کارگیری واژه‌های بلند «الف» «واو» «یاء» و به شکل غالب کاربرد الف مدی که با کشش آوای دشمنی‌های قریش و محاصره سه‌ساله شعب ابی طالب و صبر و استقامت بنی‌هاشم و مسلمانان را به خوبی آشکار و نمایان می‌سازد. مصوت‌های بلند «آ، ای، او» به معنای سکون و ثبوت و قرار و استقرار به شمار می‌روند، از این رو، بیانگر آرامش روحی و روانی هستند (Seyedi, et al., 2005, p. 36). مصوت‌های بلند در این نامه بر وقار و آرامش و کم‌شدن فشاره و بسط گستره شناختی دلالت دارد که با کشش صوت دشمنی‌های قریش و محاصره سه‌ساله شعب ابی طالب و استقامت و صبر بنی‌هاشم و مسلمانان را به خوبی آشکار و نمایان می‌سازد. گفته‌پرداز با استفاده از ابژه‌ها و بیان خاطرات عبارت گفتمانی نامه را گسترش داده‌است. تکرار سوابق خود در جنگ‌هایی همچون بدر و مانند آن مقدمات بیعت و امامت را برای امام فراهم می‌کند. در این نامه، با وجود ابژه‌های انتشار یافته برای آشکار کردن سابقه‌های آن حضرت از فشاره عاطفی کاسته شده و بر گستره شناختی گفتمان آن افزوده شده‌است. ابژه‌های منتشر شده در صورت‌بندی گفتمانی (او-آن‌ها) بیان شده و سبب افزایش بعدشناختی در گفتمان نامه‌ها شده‌است. ارزش به‌دست آمده در نامه افشای دشمنی قریش با پیامبر و نشان دادن سوابق آن‌ها در اسلام و اثبات مشروعیت امام برای یک انتخاب مهم است. با سیر گفتمان از فضای گفته‌پردازی (من-تو) به سمت فضای جهان گفته‌ای (او-آن‌ها) از فشاره گفتمان کاسته شده‌است و گفتمان نامه به سمت گسترش فضای جهان گفته‌ای و افق‌های شناختی و تکرار ابژه‌ها پیش رفته‌است. «أَذْ صِرْتُ يُقَرَّنُ... لَمْ تَكُنْ لَهُ كَ سَابِقَتِي الَّتِي لَا يُدَلِّي أَحَدًا بِمِثْلِهَا إِلَّا أَنْ يَدْعَى...» در این برش گفتمانی، از نامه ۹ امام خود را لایق رهبری و امامت می‌داند و سابقه خود را در طی حضور اسلام بیان می‌کند. با لایق دانستن خود برای حکومت، با بازنمایی خاطرات و سوابق خود می‌کوشد دایره عملیات منتسب به خویش را گسترش دهد. امام وارد روایت سرگذشت انبیای گذشته حضرت

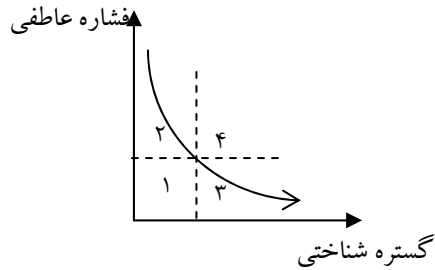
محمد (ص) می‌شود و همچون حلقه پیوندی در انتهای نامه و بازگو کردن جنگ بدر-احد-موت‌ه وارد خاطرات مسلمانان با پیامبر می‌شود تا همه زنجیرهای گفتمانی در یک سلسله منسجم در پاسخ به معاویه یادآوری شود و نیز جنگ‌ها و صحنه‌های هجرت را یادآور می‌شود و صف‌های مومنان و کافران را مشخص می‌کند. و سابقه‌های کافرین و مسلمانان را در پاسخ به معاویه برای اثبات حق رهبری و مشروعیت انتساب آن از طرف پیامبر بیان می‌کند. فضای تنشی گفتمان، فضایی دوسویه سیال و دارای عمق دوسویه است که می‌تواند پیش‌تنیده (خاطره‌ای از گذشته) یا پس‌تنیده، (انتظاری از آینده) باشد (Shairi, 2006, p. 96-97). امام علی (ع) با تأکید بر امامت خود با بیان خاطرات خود از گذشته و ترسیم آینده می‌کوشد تا عمق فضای تنشی گفتمان از گذشته تا آینده چه (مکانی- و چه زمانی) را با هم تنیده کند. عامل انسانی بر اساس عامل حسی-ادراکی با دنیا ارتباط برقرار می‌کند و بر اساس آن دو گونه عاطفی و شناختی در تعامل با یک‌دیگر قرار می‌گیرند و فرآیند تنشی را شکل می‌دهند که تعیین‌کننده نوع ارزش‌های حاکم بر گفتمان است. در این فضای تنشی، معنای هدفمند نتیجه‌جویی پیوسته و جهت‌دار به سوی عمق است که معنا را به شاخصه‌های مؤلفه‌ای (زمانی-مکانی)، مرتبط می‌سازد. شاخصه‌هایی که با «پس‌تندگی»^۱ آینده را جایگزین اکنون می‌کند و «پیش‌تندگی»^۲ اشکالی از خاطرات گذشته را جایگزین گونه‌های کنونی می‌کند. در چنین جریانی سیال، دامنه حضور نزدیکترین تا دورترین نقطه فضای تنشی را در بر می‌گیرد و حضور معناداری تحقق پیدا می‌کند (Fazeli Mahboud, 2015, p.211). امیر المؤمنین در فرآیند افزایشی از همان مرکز فشاره عاطفی، امامت را در پیوند با ابژه‌های گوناگون قرار می‌دهد و با گسترش فضای جهان‌گفته‌ای گستره‌های شناختی را منتشر می‌کند و در دایره کل جهان‌شمول، امامت و ولایت خود را ترسیم می‌کند. با توجه به این توضیح‌ها، روشن می‌شود که گستره‌شناختی در این آیه‌ها از الگوی تنشی نزولی پیروی می‌کند. اغلب افعال بیشتر به صورت فعل ماضی و بیان وقایع اعتقادی-سیاسی- بوده‌است که از زمان پیامبر گرامی اسلام تاکنون رخ داده‌است و هدف امام آشکار کردن توطئه‌های معاویه و مشروعیت او بوده‌است و به همین سبب، تعداد فعل ماضی از دیگر افعال بیشتر بوده‌است و تداوم و استمرار کج‌فهمی‌های معاویه را آشکار می‌کند. «طَلَبَهُمْ فِي بَرٍّ وَ لَأَبْحُرٍ وَ لَأَجَبِلٍ وَ لَأَسْهَلٍ». آن حضرت در پاسخ به ادعای معاویه مبنی بر خون‌خواهی عثمان به تهدید او پرداخته و او را از ادامه دادن به این موضوع برحذر داشته که اگر از این خواسته دست برداری قاتلان عثمان بر تو حمله خواهند برد و تو را می‌کشند. واژه‌های هم‌نشین «بَحْرٍ، جَبَلٍ، سَهْلٍ» برای بیان کردن عزم جدی قاتلان عثمان و نابودی معاویه

¹ protection

² retention

۱۰۲ / تحلیل نظام گفتمانی تنش در نامه‌های امام علی(ع) به معاویه در نهج البلاغه / امیری و ...

است. ارزش به‌دست آمده در این نامه عبارت است از افشای دشمنی‌های قریش و جانفشانی و سوابق امام در راه اسلام و افشای ادعاهای دروغین معاویه در قتل عثمان. رابطه تنشی در این نامه یک رابطه ناهمسوست زیرا الگوی تنشی این نامه الگوی نزولی است.



سیر گفتمان از گفته پردازی به جهان گفته‌ای

شکل ۴: الگوی تنشی نامه ۹

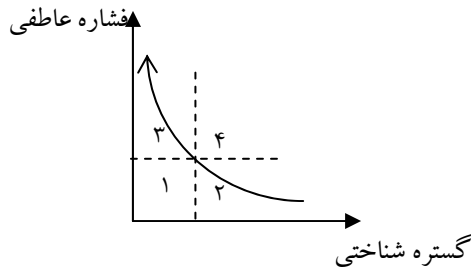
۳.۵. الگوی تنشی نامه ۱۰ صعودی

ابتدای نامه با بیان استفهام آغاز شده است. امام با خطاب قراردادن معاویه به‌عنوان صاحب سخن وارد میدان عملیات گفتمان شده است. و با حالت استفهام ذهن مخاطب را (حتی معاویه) را به چالش کشانده و سطح هیجان و کنجکاوی در پیگیری سخن را افزایش داده است. گفته‌یاب در حالت ابهام به سر می‌برد و رغبت بیشتری برای شنیدن نامه دارد. این عبارت پیوست به فضای گفته‌پردازی (من-تو) را محقق می‌کند. بیان پرسشی «وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ» در متن نامه، فضای گفت و گوی گفته‌پرداز (من) با گفته‌یاب «تو» را به تصویر کشانده است. این فرآیند گفتمانی با بیان پرسشی بدون گسترش جهان گفته‌ای با مجمل گذاشتن «جَلَابِيبٌ» به سرعت به مرکز عملیات گفتمان، جایگاه گفته‌پردازی خود بازگشته است. گفته‌پرداز بیش از سخن گفتن درباره افشای چهره معاویه و اعمال او به قصد آشکار کردن حضور خود لب به سخن گشوده است. با توجه به استفهامی بودن فرآیند گفتمانی و پیوست به مرکز عملیات گفتمان فشاره افزایش یافته است و به سبب پیوست به فضای گفته‌پردازی و سیر از وضعیت ابژه‌ای تر (او-آن‌ها) به سوی وضعیت سوژه‌ای تر (من-تو)، فشاره عاطفی گفتمان افزایش می‌یابد. بنابراین فرآیند تنشی گفتمان در این عبارت سیر صعودی دارد. در عبارت «وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ... وَخَدَعْتَ بِلَدَّتَيْهَا... دَعْتَكَ فَأَجَبْتَهَا وَ قَادَتْكَ فَأَتَّبَعْتَهَا...»؛ چه خواهی کرد، آن‌گاه که جامه‌های رنگین تو کنار رود، جامه‌هایی که به زیبایی‌های دنیا زینت شده است. دنیا تو را با خوشی‌های خود فریب داده، تو را به سوی خود خوانده است. این عبارت همزمان شامل مجاز در افراد و در ترکیب است. فعل «خَدَعْتَ» هم مجاز

در افراد و هم در ترکیب است. به این جهت که حقیقت خدعه آن است که از انسانی به فرد دیگری سر می‌زند و در این جا برای دنیا به کار رفته‌است به این سبب که با خوشی‌ها، خود را مقصود نهایی و کمال حقیقی جلوه می‌دهد، در حالی که چنین نیست و مجاز در ترکیب نیز به دلیل اینکه هدف، مقصود نهایی و کمال حقیقی افعال دنیا نیست، بلکه برآمده از اسباب است که به خدای سبحان نسبت داده می‌شود. قَدْ دَعَوْتُ إِلَى الْحَرْبِ، قَدَعَ النَّاسَ جَانِبًا وَ أَخْرَجَ إِلَيَّ وَأَغْفِ الْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْقِتَالِ... در نظام القایی تعامل میان هر دو طرف گفتمان سبب شکل گرفتن یا تعیین کنش می‌شود و یکی از دو طرف باید دیگری را متقاعد کند (Shairi, 2009, p.18) و با تحریک کنشگر (معاویه) و نمایش تصویر منفی از عملکرد او، رفتار نامناسبش را به رخ می‌کشد و سبب تحریک او می‌شود. و او را به کنش و در نهایت عمل کنشی مجبور می‌کند (Davoodi Moghadam, 2012, p.113). استفاده از حروف ندا و نون مشدد در عبارات نیز خبر از قطعیت انجام عمل و جدی‌بودن آن را نشان می‌دهد. تکرار و اشتقاق در پاره‌گفته‌ها افزون بر نظم آهنگ‌بودن قسمت‌هایی از متن نامه خبر از اهمیت موضوع مورد نظر می‌دهد و آن‌ها را مورد تأکید قرار داده‌است. فَكَانِي قَدْ رَأَيْتُكَ تَضِجُ مِنَ الْحَرْبِ إِذَا عَضَّتْكَ ضَجِيجَ الْجَمَالِ بِالْأَثْقَالِ... در این گفتمان، حروف مهجوره «جیم» هفت بار در «ضَجِيجَ، الْجَمَالِ، بِجَمَاعَتِكَ، جَزَعًا، جَاحِلَةً» ضاد پنج بار در «عَضَّتْكَ، ضَجِيجَ، الْقَضَاءِ، الضَّرْبِ» و عین ده بار در «عَضَّتْكَ، بِجَمَاعَتِكَ، تَدْعُونِي، جَزَعًا، الْمُتَسَابِعِ، الْوَأَقِعِ، مَصَارِعَ، مُبَايَعَةً» و قاف چهار بار در «قَدْ رَأَيْتُكَ وَ الْقَضَاءِ الْوَأَقِعِ بِالْأَثْقَالِ» بیان شده‌است. تکرار این حرف حالت انسانی را به تصویر می‌کشد که از نفس کشیدن عاجز است و صدای «عین» را از ته گلو با ناله ادا می‌کند و همچنین به سبب دوری مخرج «جی‌م» از مخرج «ع ض ق و» و صفتهای جهر، شدت اصمات در واج «جی‌م» سنگینی و فشاری در تلفظ این حرف ایجاد می‌کند که بیانگر شدت آزرده‌گی و معاویه و سپاهانش در میدان جنگ است. همچنین بیشتر واژه‌هایی که در آن‌ها حرف «جیم» به کار رفته‌است، به سبب صفت قلقله (Mousavi Baladeh, 2003, p. 92) بر مفهوم جنبش، تحریک، شدت، بی‌قراری، دلالت می‌کنند (Saghir, 2000, p.177) در این پاره گفته، موسیقی برآمده از حرف جیم با صفتهای جهر، اصمات، و شدت در واژه‌های کاربردی تأثیر داشته و بی‌قراری و تحریک در ناله و فریاد را می‌رساند. افزون بر اینکه موسیقی «ض» به سبب دارا بودن صفتهای اصمات و استعلا بر شدت سختی آن می‌افزاید. گویا امام با این بیان و موسیقایی برخاسته از آن شدت و ناله و فریاد معاویه را به تصویر می‌کشد و تداعی می‌کند. همچنین فعل‌هایی که «ق» یکی از حروف اصلی آن‌هاست القاء‌کننده خشونت و شدت هستند. امام در این نامه معاویه را به

سرنوشت آینده خود یعنی شکست در جنگ، یاد آور می‌شود. «فَأَنَا أَبُو حَسَنٍ قَاتِلُ جَدِّكَ وَ أُخَيْكَ وَ خَالِكَ شَدْخَا» در این پاره گفتمانی ضمیر «أَنَا، كَ» تداوم پیوست به فضای گفته‌پردازی را نشان می‌دهد. در پاسخ به تهدیدهای نظامی معاویه (گفته‌پرداز) امام با ورود به فضای گفته‌پردازی (من-اینجا-کنون) تداوم خود را در پیوست به فضای گفته‌پردازی نشان می‌دهد. امام با زبردستی در واژه‌گزینی با استفاده از فعل «شَدْخَا» به معنای شکستن شیء میان تهی، سهولت پیروزی خود بر گروه مخالف در جنگ‌هایی همچون بدر را تداعی کرده و به سابقه‌های تاریخی فتح مکه استناد می‌کند و شجاعت خود را بیان می‌کند (Mohassess, 2017, p. 119). امام با پیشنهاد دادن به تهدیدهای نظامی معاویه با شکل‌گیری گفتمانی عاطفی از نوع حسی- ادراکی در نظام تعاملی مبتنی بر نوعی همسویی، شیوه حضور خود در جنگ را با تولید حسی مشابه و سپس حرکت و کنشی مشابه در طرف دیگر القا می‌کند. «فَأَنَا أَبُو حَسَنٍ» بر این دلالت دارد که امام متکلم است و به‌عنوان گفته‌پرداز وارد فضای گفته‌پردازی شده‌است و به معاویه یاد آور می‌شود که یقین داشته باش اگر درخواست جنگ می‌دهی، من شایسته ترم که به سمت تو آیم. اگر این عبارت بیان نمی‌شد حضور گفته‌پرداز پوشیده‌تر می‌ماند و معاویه دچار شک و تردید می‌شد که آیا امام توانایی مقابله با او را دارد. امام ضمن یادآوری پیشینه، فضیلت، شجاعت‌ها، پایداری‌های خویش در جنگ‌های گذشته معاویه را به مبارزه تن به تن طلبیدند تا از کشتار دیگران جلوگیری کنند. «فَأِنِّي إِنْ أُرْزِكَ فَذَلِكَ جَدِيرٌ» حرف «کاف» تأثیر موسیقایی بسیاری دارد. زیرا فضای گفتمان فضای گفت‌وگویی است و فضای زبانی این حروف با فضای گفتمانی امام تناسب دارد وجود ضمیر «أَنَا» و ضمیر مخاطب «كَ»، فضای گفته‌پردازی (من- تو) را به تصویر می‌کشاند. حرف «کاف» تأثیر موسیقایی زیادی در معنای متن ارائه می‌کند. زیرا فضای گفتمان فضای تعاملی و گفته‌پردازی است و صفت‌های زبانی این حروف با فضای این پاره گفتمانی تناسب دارد. ابن جنی (Ibn Jani, 1955) در کتاب الخصایص شرح داده که حرف «کاف» جزء صداهای پر طنین با پژواک قوی و شدید است. از این رو از ویژگی‌های این حرف انفجاری بودن آن است. حرف کاف تداعی‌کننده اصطکاک بین دو چیز است که در اثر آن حالتی از حرارت، جنب‌وجوش و پویایی القا می‌شود (Ibn jani, 1955, 70) همه صفت‌های مورد اشاره با فضای دیالوگی متن همخوانی دارد. این عبارت، به‌خوبی نشان می‌دهد که فرآیند گفتمان به‌سوی برجسته‌تر کردن فضای تعاملی گفته‌پرداز است. آنچه در این پاره گفتمان آشکار است فضای (من-تو) گفته‌پردازی و حضور مؤثر گفته‌پرداز (امام علی) (ع) و گفت‌وگوی او با گفته‌یاب (معاویه) است. فرایند گفتمان این عبارت بدون گسترش جهان گفته‌ای به‌سرعت به مرکز

عملیات گفتمان یعنی فضای گفته‌پردازی باز می‌گردد. تداوم پیوست در مرکز عملیات گفتمان فضای پاسخ و پرسش بین معاویه و امام یعنی فضای گفت‌وگویی و تعاملی بین گفته‌پرداز و گفته‌یاب است. تداوم حضور در فضای تعاملی امام بیشترین انرژی و فشاره را نشان می‌دهد. این فشاره سبب شده‌است امیرالمومنین اتهامات معاویه که به امام می‌زند را بگیرد. منحصرماندن بر ابژه «عثمان» که نقش اساسی را بر عهده دارد، پیوست به فضای گفته‌پردازی را نشان می‌دهد. گفتمان این فراز از نامه‌ها سیر از جایگاه دیگری به جایگاه خود، سیر از ابژه به سوژه و پیوست به مرکز عملیات گفتمان محل بیشترین فشاره و محدودترین گستره است. و گفتمان با منحصرماندن بر ابژه «عثمان» و پیوندن دادن آن با ابژه‌های دیگر در جهت افزایش فشاره عمل کرده‌است. با این توضیحات الگوی تنشی این گفتمان به سمت فضای دیالوگی (من-تو) جهت یافته‌است که سبب افزایش فشاره عاطفی می‌شود و الگوی تنشی صعودی را نشان می‌دهد. تکرار دو حرف «ت» و «ه» بیشتر از دیگر حروف توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. این حروف که از حروف مهموس به شمار می‌آیند و وقف بر آن سبب سکوتی تأمل‌برانگیز و دل‌نشین است (فیصل، بی تا، ۶) که نتیجه آن دعوت به تدبر و تفکر در فریب کاری دنیا و عاقبت امر انسان است. «إِنِّي لَعَلِّي الْمُنْهَاجِ الَّذِي تَرَكْتُمُوهُ طَائِعِينَ وَ دَخَلْتُمْ فِيهِ مَكْرَهِينَ». این عبارت در ادامه تهدید ایشان در پاسخ به معاویه آمده‌است. امام (ع) با بیان دلآوری‌های خود خطاب به معاویه، در جنگ‌های صدر اسلام و به خصوص جنگ بدر که جد پدری و مادر، دایی و برادرش به وسیله آن حضرت به هلاکت رسیدند و معاویه را آگاه می‌کنند که من هیچ‌گاه در هدف خود تردید نکرده‌ام و همچنان بر همان راه راست و دینی هستم که همواره بوده و این درحالی است که شما دین اسلام را فقط از روی مصلحت و برای حفظ جان و مال خود پذیرفته‌اید (Bahrani, 2007, p.792). آن حضرت برای تبیین بهتر تفاوت‌های این دو خانواده و تأکید بیشتر بر نقاط اختلاف آن‌ها از دو واژه متضاد «تَرَكْتُمُوهُ طَائِعِينَ وَ دَخَلْتُمْ فِيهِ مَكْرَهِينَ» بهره گرفته‌است. در این نامه از طباق ایجاب استفاده شده‌است. می‌توان گفت طباق ایجاب در مقایسه با طباق سلب از تأکیدی بیش‌تر برخوردار است و مفهوم برای مخاطب بهتر تثبیت و تبیین می‌شود. به همین سبب، ایشان برای تأکید بر اهمیت آشکار و تثبیت آن از طباق ایجاب بهره گرفته‌اند. رابطه تنشی در گفتمان این نامه یک رابطه ناهمسوست. در نتیجه الگوی تنشی حاکم بر این گفتمان الگوی صعودی است.



سیر گفتمان از جهان گفته‌ای به گفته‌پردازی

شکل ۵: الگوی تنشی نامه ۱۰ صعودی

۶. نتیجه‌گیری

فضای تنشی حاکم بر گفتمان نامه ۶-۹-۱۰ با نظام‌های مختلف تنشی، فرایند سیالیت معنا را در دو بعد فشاره‌ای و گستره‌ای شکل می‌دهد. گفتمان غالب بر این نامه‌ها نشان می‌دهد که امیرالمومنین به‌عنوان کنشگر اصلی با معاویه از طریق رابطه حسی- ادراکی از سبک حضور تنشی در ارتباط است. برای تولید گفته و تأثیر بر مخاطب راهی جز گسست و پیوست در فضای گفته‌پردازی وجود ندارد. ساختار نامه ۶-۹-۱۰ از الگوی تنشی صعودی و افزایشی و نزولی پیروی می‌کند. در واقع نظام گفتمانی نامه‌ها با تأثیر از نقش آفرینی پیوست و گسست، پیوسته در سطح فشاره عاطفی بالا سیر و پیشروی می‌کند و حرکت‌های گستره‌شناختی نیز در امتداد اوج فشاره عاطفی بالا انجام می‌پذیرد. در فضای تنشی گفتمانی امام علی با فرآیند افزایشی و نیز جوسازی‌های تنشی-عاطفی بیشتر، از سبک حضور تنشی- کنشی پیروی می‌کند و با گفتمانی برنامه‌مدار در پی ایراد گرفتن از معاویه و جواب به مبارزه‌طلبی و اتهام‌های ایشان است. تحلیل فرآیند تنشی در گفتمان نامه‌های امام به معاویه الگویی از یک تحلیل دقیق و نظام‌مند را ارائه می‌دهد این الگو توانسته است ابعاد تنشی فرآیند گفتمان و روابط میان آن‌ها را در ابعاد معنایی نامه‌ها ترسیم کند.

فهرست منابع

- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۹۵۵). *الخصائص*. تحقیق محمد علی النار. بیروت: دارالکتاب العربی.
بابک معین، مرتضی (۱۳۹۷). *ابعاد گمشده معنا در نشانه‌شناسی روایی کلاسیک «نظام معنایی تطبیقی یا رقص در تعامل»*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
بحرانی، ابن میثم (۲۰۰۷). *شرح نهج البلاغه ابن میثم، الطبقة الاولى*. منامه: مکتبه الفخرای.
پاکتچی، حمیدرضا شعیری و هادی رهنما (۱۳۹۴). «تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره فاعه؛ با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی». *جستارهای زبانی*. دوره ۶. شماره ۴. صص ۳۹-۶۸.

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء^(س)، سال پانزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۴۰۲ / ۱۰۷

خزعلی، انسیه و مریم هاشمیان (۱۳۹۵). «انسجام واژگانی در نامه‌های افشاگرانه امام علی (ع) به معاویه».

مطالعات ادبی متون اسلامی. دوره ۱. شماره ۲. صص ۳۱-۵۷.

داودی مقدم، فریده (۱۳۹۱). «تحلیل-نشانه-معناشناختی شعر «آرش کمانگیر» و «عقاب» تحول کارکرد

تقابلی زبان به فرآیند تنشی». جستارهای زبانی. دوره ۴. شماره ۱. (پیاپی ۱۳). صص ۱۰۵-۱۲۴.

زرکوب، منصوره و محمد خاقانی و مریم جاویدی (۱۳۹۲). «کارکرد واحدهای زنجیری و زیرزنجیری در

زبان عربی». زبان پژوهی. سال ۴. شماره ۸. صص ۶۷-۹۵.

سجادی، سید ابوالفضل و زهرا نیت کوچکی (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل نامه‌های امام علی (ع) به معاویه با

تکیه بر نظریه ساختارگرایی». مطالعات ادبی متون اسلامی. دوره ۴. شماره ۱۵. صص ۹-۳۷.

سیدی، سید حسین و زهرا عبدی (۱۳۸۴). «تحلیل موسیقایی آیات قرآن، جزء ۳۰». پژوهشنامه علوم انسانی.

شماره ۴۷ و ۴۸. صص ۵۹-۷۴.

سیدی، سید حسین و نفیسه حاجی رجبی (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی دعای عرفه». مطالعات اسلامی. علوم قرآن

و حدیث. شماره ۴۷. صص ۲۹-۴۷.

شعیری، حمید رضا (۱۳۸۴). «بررسی بنیادین ادراک حسی در تولید معنا». پژوهشنامه علوم انسانی. شماره

(۴۵-۴۶). صص ۱۳۱-۱۴۶.

شعیری، حمید رضا (۱۳۸۴). «مطالعه فرایند تنشی گفتمان ادبی». پژوهش‌های زبان‌های خارجی. شماره ۲۵.

صص ۱۸۷-۲۰۴.

شعیری حمید رضا (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان. تهران: سمت.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه-معنا شناختی». مجموعه

مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. به کوشش محمد

دبیرمقدم، ارسلان گلفام و مصطفی عاصی. صص ۱۰۶-۱۱۹.

شعیری، حمید رضا و ترانه وفایی (۱۳۸۸). راهی به نشانه‌شناسی سیال. تهران: انتشارات علمی-فرهنگی

ایران.

شعیری، حمیدرضا، (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه-معناشناسی گفتمانی». نقد ادبی. سال ۲.

شماره ۸. صص ۳۳-۵۱.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان. تهران: سمت.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۴). «مقاومت، ممارست و مماشات گفتمانی: قلمروهای گفتمانی و کارکردهای

نشانه معناشناختی آن». جامعه‌شناسی ایران. دوره ۱۶. شماره ۱. صص ۱۱۰-۱۲۸.

صغیر، محمدحسین علی (۱۴۲۰). الصوت اللغوی فی القرآن. بیروت: لبنان دارالمورخ العربی.

عباسی، علی و هانیه یارمند. (۱۳۹۰). «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه-معناشناختی ماهی

سیاه کوچولو». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. دوره ۲. شماره ۳ (پیاپی ۷). صص ۱۴۷-۱۷۲.

فاضلی مهیود، شیرین و معصومه علیزاده کلور (۱۳۹۴). «بررسی نظام عاطفی گفتمان در شعر «سفر به خیر»

۱۰۸ / تحلیل نظام گفتمانی تنش در نامه‌های امام علی(ع) به معاویه در نهج البلاغه / امیری و ...

- شفیعی کدکنی با رویکرد نشانه-معناشناسی. «جستارهای زبانی. دوره ۶. شماره ۱. (پیاپی ۲۲). صص ۲۰۵-۲۲۸.
- فتوحی محمد (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. ج ۲. تهران: نشر سخن.
- فیصل، حسن طحیمیر غوادره (دون تاریخ). التکرار فی الفاصلة القرآنیة الجزء الاخیر من القرآن نموذجاً دراسه/سلویة. فلسطین: جامعه القدس المفتوحة.
- کنعانی ابراهیم، (۱۳۹۶). «تحلیل کارکرد تنشی-زبانی «نور» و ابعاد نظام معنایی آن در نظام گفتمانی شرق اندوه و حجم سبز سپهری». «جستارهای زبانی. دوره ۸. شماره ۲ (پیاپی ۳۷). صص ۲۵-۵۲.
- محمصص مرضیه (۱۳۹۶). «کاربست گفتمان سکوت در نامه امیر مومنان علیه السلام به معاویه». پژوهش‌های نهج البلاغه. شماره ۵۳. صص ۱۱۳-۱۳۹.
- مصطفوی، حسن سادات، جمیدرضا شعیری و هادی رهنما (۱۳۹۲). «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی؛ نشانه‌شناسی فرآیندهای گفتمانی کرامت در قرآن با الگوی تنشی». پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن. سال ۱. شماره ۲. صص ۲۴-۴۲.
- موسوی بلده، سیدمحسن (۱۳۸۲). «حلیله القرآن» تجوید قرآن. تهران: احیاء الکتاب.
- نصیری، روح الله، مهدی مطیع و مهناز امیری (۱۳۹۷). «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمان در سوره‌ی «نبا» بر اساس الگوی تنش». زبان پژوهی. سال ۱۰. شماره ۳۰. صص ۱۱۹-۱۴۸.

References

- Abbasi, A., & Yarmand. H. (2011). Crossing the semantic square to the stress square: a sign-semantic study of the short story the Little Black Fish. *Quarterly Journal of Comparative Language and Literature Research*, 3(2), 147-172, [in Persian].
- Babak Moin, M. (2017). *The Missing Dimensions of Meaning in Classic Narrative Semiotics "Adaptive Semantic System or Dance in Interaction"*. Tehran: Scientific and Cultural Publications [In Persian].
- Bahrani, I. M. (2007). *A commentary of Nahj al-Balaghah by Ibn Maytham*. Bahrain: Al-Fakhrawi Publications, [in Arabic].
- Davoodi Moghadam, F. (2012). A semiotic-semantic analysis of poems *Arash Kamangir* and *The Eagle*: the evolution of confrontational function of language to the tensive process. *Journal of Language Related Research*, 4(1), 124-105, [in Persian].
- Faisal, H. T. G. (n.d.). *Repetition in the Qur'anic Fasilah (rhymes) in the last chapter of the Qur'an as a stylistic study model*. Palestine: Al-Quds Open University, [in Arabic].
- Fazeli Mahboud, S., & Alizadeh Klur, M. (2015). A semiotic-semantic study of the emotive discourse system in the poem Bon voyage! by Shafiee Kadkani. *Journal of Linguistic Research*, 6(1), 205- 228, [in Persian].
- Fontanille, J. (1998). *Sémiotique du discours*. Limoge: PULIM.
- Fontanille, J. (1999). *Sémiotique et littérature. Essais de méthode*. Paris: PUF.
- Fontanille, J. (2006). *The Semiotics of discourse (trans. Heidi Bostic)*. New York: Peter Lang.

- Fotouhi, M. (2010). *Image rhetoric* (2nd edition). Tehran: Sokhan Publications, [in Persian].
- Greimas, J., & Fontanille, J. (1992). *The Semiotics of Passion from States of Affairs to States of Feelings*. USA: U of Minnesota Press
- Ibn Jani, A. (1955). *Features*. (M. A. Al-Na'ar, Trans.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, [in Arabic].
- Kanani, E. (2017). Analysis of the tensive-linguistic function of light and the dimensions of its semantic system in the discourse system of the poems East of Sorrow grief and Green Volume. *Journal of Linguistic Research*, 8(2), 25-52, [in Persian].
- Khazali, E., & Hashemiyan, M. (2016). In a revealing lexical cohesion of Imam Ali (AS) to Al. *Religious Literature and Art*, 1(2), 31-57 [In Persian].
- Mohassess, M. (2017). Application of the discourse of silence in the letter of Imam Ali's to Mu'awiyah. *Quarterly Research Journal of Research of Nahjolbalagheh*, 53, 113-139, [in Persian].
- Mostafavi, H. S., Shairi, H. R., & Rahnama, H. (2013). "From ignorant dignity to Qur'anic dignity; Semiotics of discourse processes of dignity in the Qur'an with a pattern of tension. *Journal of Qur'anic Interpretation and language*. 1 (2), 24 – 42, [in Persian].
- Mousavi Baladeh, S. M. (2003). *Halilat of al-Quran: Tajwid of Quran*. Tehran. Ihya al-Kitab, [in Persian].
- Nasiri, R., Moti, M., & Amiri, M. (2018). Semiotic analysis of discourse in Sura Naba' based on the tensive model. *Al-Zahra University Journal of Language Research*, 10(30), 119-148, [in Persian].
- Pakatchi, A., Shairi, H., & Rahnama, H. (2015). Tensive semiotics of discourse in surat al-Qāriah; a new approach in the semiotics of the qurānic discourse. *Journal of Language Related Research*, 6 (4), 39-68, [in Persian].
- Saghir, M. A. H. (2000). *The linguistic voice in the Qur'an*. Beirut: Dar Al-Muvarrikh Al-Arabi, [in Arabic].
- Sahiri, H. R. (2009). From structural semiotics to discourse semiotic-semantics. *Journal of Literary Criticism*, 2(8), 33-51, [in Persian].
- Sajady, S. A., & Kochaki Niyat, Z. (2019). Analysis of Imam Ali's letters to Muaviieh with a structuralist approach. *Religious Literature and Art*, 4(15), 9-37. doi: 10.22081/jrla.2020.55482.1243 [In Persian].
- Seyedi, S. H., & Abdi, Z. (2005). A musical analysis of Juz' 30 of the Holy Qur'an. *Journal of Humanities*, 47 & 48, 59 -74, [in Persian].
- Seyedi, S. H., & Haji Rajabi, N. (2015). Stylistics of 'Arafa Prayer. *Journal of Islamic, Quranic, & Hadith Studies*, 47, 29-47, [in Persian].
- Shairi, H. R. (2005). An examination of the basic role of perception in meaning production. *Journal of Human Sciences*, 45 & 46, 131 - 146, [in Persian].
- Shairi, H. R. (2005). Study of the tensive process of literary discourse. *Journal of Foreign language research*, 25, 187- 204, [in Persian].
- Shairi, H. R. (2006). *Semiotic-semantic analysis of discourse*. Tehran: SAMT, [in Persian].
- Shairi, H. R. (2007). An Investigation of discoursal systems types from the *Semiotic-semantic perspective*". In M. Dabirmoghadam, A. Golfam and M. Assi (eds.), Proceedings of the 7th Iran Linguistic Conference (pp. 106-119). Tehran: Allameh Tabatabai University [In Persian].
- Shairi, H. R., & Vafaie, T. (2009). *A path to fluid semiotics*. Tehran: Iranian

Scientific-Cultural Publications, [in Persian].

Shairi, H. R. (2009). From constructionist semiotics to discursive semiotics. *Journal of Literary Criticism*, 2(8), 33-51 [In Persian].

Shairi, H. R. (2013). *Analyse Semiotique du Discour*. Tehran: SAMT [In Persian].

Shairi, H. R. (2016). Discourse resistance, insistence and appeasement: The realms of discourse and its semiotic functions. *Iranian Journal of Sociology*, 16(1), 110-128 [In Persian].

Zarkoob, M., Khaqani, M., & Javidi, M. (2013). The approach of linked and linkage units in the Arabic language. *Al-Zahra University Quarterly Journal of Language Research*, 4(8), 67-95, [in Persian].



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

